



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۴

حمید انوری

بهترین حال و وضعیت در هوشیاریست

عنوان فوق هیچ مشکلی ندارد و صد فیصد مورد تائید و تصدیق است، اما سوال اینجاست که آیا نوشته ذیل از قلم سحر همین نویسنده میتواند در حال و وضعیت هوشیاری نوشته شده باشد؟ این شما و اینهم نوشته مورد نظر از قلم همین نویسنده که نوشته فوق را به قلم آورده اند که در این مختصر از نقل آن صرف نظر نموده و فقط نوشته قبلی شانرا می آورم تا خوانندگان خود قضاوت فرمایند که آیا همین نوشته به قلم همین نویسنده مبتکر و قلم به دست توانا که در ذیل از نظر میگذرد، در حالت و وضعیت هوشیاری نوشته است یا در کدام حالت دیگر.

[محمد صالح گردش ۲۰۲۴/۰۹/۰۹]

شهر خدا از خود خداست!

اورشلیم، شهر خداست و زیبایی و قشنگی و حرمت این شهر نیز در تقدسش است! این شهر تاریخ با عظمت و پر شکوهی دارد؛ اورشلیم شهر حضرت داؤد و موسی (ع) است شهر پادشاهی سلیمان، شهر عیسی مسیح، شهر معراج محمد(ص) و ... است، اما با آنهمه در طول تاریخ چه ستمهایی که این شهر بر خود ندیده و باشندگانش از هر گروه و فرقه مذهبی در طول تاریخ چه کشت و قتل عام هایی را که نشده اند. شهر زیبای اورشلیم(بیت المقدس) نزد پیروان ادیان ابراهیمی که بیشترین نفوس مردم جهان را در بر دارند، شهر و خطه مقدس است، ولی همین شهر مقدس و قابل حرمت همه، نسبت به حس خودخواهی ها و جاه طلبی های گروه ها و فرقه های خودپسند و تمامیت خواهان مذهبی در طول تاریخ بار بار به خاک و آتش و خاکستر مبدل گردیده است و هر فرقه و پیروان هر دینی در آرزوی تصاحب و قباله کردن آن به اسم خود بوده اند. یهودیان، عیسویان، مسلمانان بدفعات توسط یکدیگر برای تصاحب و تصرف این شهر قتل عام ها شده اند و خون یکدیگر را با بی رحمی ریخته اند که ظلم و ستم بخت النصر(شاه بابل) بالای باشندگان آن روز این شهر و جنگ های

طولانی صلیبی از نمونه های آن قتل و خونریزی هاست. این شهر که می بایست گره گاه و نقطه عطف تاریخ و مرکز وصلت و تحکیم وحدت اکثر باشنده های روی زمین می بود، برعکس به بزرگترین پایگاه نفاق و مرکز نابسامانی ها مبدل گردیده و در طول تاریخ مایه بهم زدن نظم و نسق جهانی شده است. ایکاش یک مرکز حقوقی باصلاحیت در جهان می بود و یا جهانیان بر سر یک مرکز حقوقی به توافق می رسیدند تا آن مرکز، این شهر را به اسم خدا قباله می کرد که بندگان دگر بالای آن ادعای مالکیت نمی کردند و دست همه جهت ها از دست درازی به حریم شهر خدا کوتاه می گردید. اگر چنان نشود، بعید نیست که این انسان خودکامه دم بریده، موجود عاقل و اما خودپسند و تمامیت خواه، روزی دعوی مالکیت خدا را نیز به راه اندازند و اجازه ندهند تا دیگرانی به جز گروه خودشان او را معبود خود بدانند و به ستایشش پردازند.]

این کمترین و هیچمدان فکر میکنم که سفسطه های بالا را هموطن گرامی ما در یک حالت خلسه نوشته باشند و در یک حالت و وضعیت هوشیاری قرار نداشته بوده اند، تا نظر دیگران چه باشد؟!

مرا می گفت دوش آن یار عیار

سگ عاشق به از شیران هشیار